یک فروند هواپیمای بوئینگ ۷۳۷، متعلق به خطوط هوایی اتیوپی که در پرواز از آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی به نایروبی، پایتخت کنیا بود سقوط کرد و براساس آخرین خبر همه ۱۵۷ سرنشین این هواپیما کشته شده‌اند. به گفته بی بی سی، مسافران این هواپیما از ۳۶ ملیت مختلف بوده‌اند. این شرکت سابقه خوبی در امنیت پروازهایش داشته هرچند که در سال ۲۰۱۰ میلادی یک هواپیمای آن که از بیروت پرواز کرده بود، به دریای مدیترانه سقوط کرد. در آن حادثه ۹۰ نفر جان باختند.

۱۵۷ کشته از ۳۶ ملیت
در سقوط هواپیمای مسافربری اتیوپی

فرمانده انتظامی خراسان رضوی با اشاره به دستگیری دزدان مامور نما خبر داد:

سناریوی مخوف راهزنی از اتباع خارجی

سید خلیل سجادپور- چهار تن از عاملان راهزنی شبانه از دو تبعه خارجی در عملیات گسترده پلیس آگاهی خراسان رضوی در حالی دستگیر شدند که دزدان مامورنما، سناریوی راهزنی را در یک کافه طراحی کرده بودند!

رئیس پلیس خراسان رضوی که تدابیر ویژه ای را برای رسیدگی سریع به پرونده اتباع خارجی به پلیس های تخصصی ابلاغ کرده است، روز گذشته نیز در پی دستگیری عاملان دستبرد شبانه به دو تبعه خارجی در پلیس آگاهی خراسان رضوی حضور یافت تا از تلاش های شبانه روزی همکارانش برای ایجاد احساس امنیت همراه با اقتدار پلیس قدردانی کند. سردار محمد کاظم تقوی در حاشیه بازدید از به کارگیری شیوه های تخصصی و فنی برای تامین امنیت اتباع خارجی به تشریح این پرونده پرداخت و به خراسان گفت: مدتی قبل دو تبعه عراقی که به مشهد مسافرت کرده بودند متاسفانه توصیه ها و هشدارهای پلیس برای رعایت موارد ایمنی و امنیتی را نادیده گرفتند به طوری که جوانی را به عنوان راهنما و مترجم (لیدر) انتخاب کردند که هیچ گونه شناختی از وی نداشتند و آن فرد نیز برای انجام امور مربوط به اتباع خارجی از هیچ مرکز دولتی یا غیردولتی مجوزی دریافت نکرده بود! میدان دار عرصه امنیت خراسان رضوی تصریح کرد: دو تبعه خارجی بعد از چند روز گشت و گذار در مشهد تصمیم گرفتند تا به استان قم مسافرت کنند و در این میان از مترجم و راهنمای ۲۲ ساله خواستند تا شرایط این مسافرت را برای آن ها فراهم کند. مترجم مذکور نیز حدود ساعت یک بامداد آن ها را به یک کافه دعوت کرد و سپس از راننده یک دستگاه خودروی پراید خواست تا آن ها را به قم ببرد. سردار تقوی خاطرنشان کرد: این گونه دو تبعه خارجی در ساعات اولیه بامداد و بدون مترجم سوار خودرو شدند اما راننده که به جای استفاده از بزرگراه وارد جاده قدیم نیشابور شده بود، به آرامی حرکت می کرد تا این که ناگهان چهار سرنشین یک پراید دیگر آن ها را متوقف کردند و با معرفی خود به عنوان مامور و در حالی که دستبند و شوکر به همراه داشتند پول ها و ارزهای دو تبعه خارجی را گرفتند و از محل گریختند.

عکس از خراسان

رئیس پلیس سرزمین خورشید ادامه داد: همزمان با وقوع این حادثه و به درخواست اتباع خارجی، آن ها به مشهد بازگشتند و با مراجعه به پلیس درخواست کمک کردند. سردار محمد کاظم تقوی افزود: با توجه به اهمیت موضوع، پرونده ای در پلیس آگاهی با هدایت و نظارت مستقیم سرهنگ حسین بیات مختاری (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) تشکیل شد و گروه زبده ای از کارآگاهان دایره مبارزه با سرقت های مسلحانه به سرپرستی سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی آگاهی) با به کارگیری توان و تجهیزات تخصصی پلیس وارد عمل شدند و به تحقیق در این باره پرداختند. وی اضافه کرد: کارآگاهان در همان رصدهای اطلاعاتی اولیه به سرنخ هایی رسیدند که نشان می داد مترجم ۲۲ ساله در این ماجرا نقش دارد چرا که در روز اعلام گزارش راهزنی در جاده، مترجم دیگری به همراه اتباع خارجی وارد پلیس آگاهی شده بود! بنابراین کارآگاهان پس از چند شبانه روز عملیات های اطلاعاتی و پلیسی موفق شدند در یک عملیات هماهنگ و گسترده، سپیده دم روز گذشته چهار تن از عاملان اصلی این پرونده را در مناطق مختلف شهر و به طور همزمان دستگیر کنند. سردار تقوی با اشاره به اعترافات متهمان گفت: مترجم ۲۲ ساله مدعی است که با دیدن پول ها وسوسه شده و همه این نقشه را در یک کافه و زمانی طراحی کرده اند که دیگر عوامل راهزنی و حتی راننده پراید در آن جا حضور داشتند! مقام ارشد انتظامی خراسان رضوی در پایان با تاکید بر اهمیت رسیدگی سریع به پرونده اتباع خارجی افزود: بررسی های بیشتر در این باره همچنان ادامه دارد. گزارش خراسان حاکی است: سردار محمد کاظم تقوی همچنین از اجرای طرح ضربتی نیروهای پلیس آگاهی خراسان رضوی خبر داد و گفت: در این طرح که بامداد امروز (دیروز) و با هدف تشدید مقابله با سرقت ها صورت گرفت کارآگاهان ادارات مختلف پلیس آگاهی موفق شدند ۶۰ خلافکار را که ۲۸ تن از آنان سارق هستند، دستگیر کنند. وی اضافه کرد: در این طرح مقادیر زیادی کالای قاچاق نیز کشف و ضبط شد.

با اعتراف مرد خشن به قتل همسرش لو رفت

ماجرای جسدی که از چاه بیرون آمد!

سجادپور- روز گذشته نیروهای آتش نشانی مشهد، جسد زنی را از درون چاه فاضلاب یک منزل مسکونی در منطقه بولوار طبرسی شمالی بیرون کشیدند که توسط همسرش به قتل رسیده بود! به گزارش خراسان، سیزدهم آذر گذشته، مرد ۴۵ ساله ای با مراجعه به پلیس آگاهی خراسان رضوی از گم شدن همسرش خبر داد و گفت: همسرم دو روز قبل برای رفتن به سر کارش از منزل خارج شده و دیگر بازنگشته است! در پی اعلام این گزارش پرونده ای در «دایره مفقودی های پلیس آگاهی خراسان رضوی» تشکیل و استعلام از مراکز مختلف آغاز شد اما نتیجه بررسی نشان می داد که هیچ اثری از زن ۴۰ ساله که دارای عروس و داماد بود، وجود ندارد! گزارش خراسان حاکی است، در نهایت با به دست آمدن سرنخ های مشکوکی از جنایت، این پرونده زیر نظر قاضی کاظم میرزایی (قاضی با تجربه ویژه قتل عمد) قرار گرفت. این گونه بود که با راهنمایی های قضایی، تحقیقات کارآگاهان دایره قتل عمد وارد مرحله جدیدی شد و آنان روز گذشته با دستگیر کردن همسر زن گم شده، او را مورد بازجویی های تخصصی قرار دادند تا این که چند ساعت بعد به قتل زن ۴۰ ساله اش اعتراف کرد و گفت: او می خواست از من طلاق بگیرد ولی من موافق نبودم تا این که شب حادثه او را خفه کردم و جسدش را درون چاه فاضلاب انداختم و سر چاه را نیز با موزاییک بستم! بنابراین گزارش در پی اعترافات صریح این مرد خشن، روز گذشته با حضور قاضی میرزایی و کارآگاهان اداره جنایی، نیروهای آتش نشانی جسد زن یاد شده را از چاه بیرون کشیدند! بررسی های بیشتر در این باره همچنان ادامه دارد.

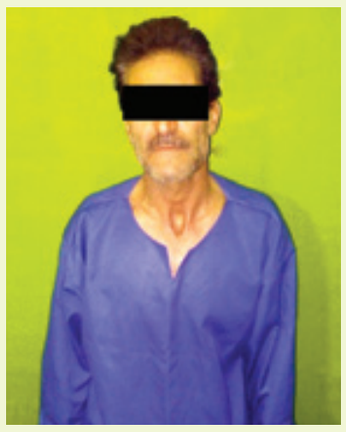
عکس اختصاصی از خراسان

دزدی با بدل اندازی سکه

توکلی - فرمانده انتظامی شهرستان کرمان از دستگیری دزد بدل انداز سکه با هوشیاری ماموران انتظامی این شهرستان خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ "محمدرضا فداء" در تشریح جزئیات این خبر گفت: ماموران انتظامی یگان امداد، پس از دریافت اطلاعاتی در این زمینه که شخصی با استفاده از سکه های بدل، اقدام به بدل اندازی در طلافروشی هامی کند، دستگیری متهم را در دستور کار خود قرار دادند. وی افزود: ماموران انتظامی با کار اطلاعاتی و پایش ورصد تصویری بازار بزرگ کرمان، یک سارق را که در حین بدل اندازی در یکی از طلا فروشی های بازار بود شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه متهم را دستگیر و برای تحقیقات بیشتر به مقر کلانتری منتقل کردند. این مسئول انتظامی خاطرنشان کرد: سارق که در رویارویی با شواهد موجود چاره ای جز بیان حقیقت نداشت به جرم خود به بدل اندازی ۲۰ عدد سکه طلا به پنج طلافروش بازار کرمان اعتراف کرد.

بازتاب

این ستون هر روز خبرها و مطالب پربازنشر و پربازدید فضای مجازی را در اختیار خوانندگان عزیز قرار می دهد

محافظان دوست داشتنی امام جمعه و مدارک لازم برای دریافت گوشت!

3.2 M views

محافظان دوست داشتنی امام جمعه تبریز

محافظان نوجوان حجت الاسلام آل هاشم، امام جمعه مردمی تبریز فضای مجازی را بسیار مورد تاثیر قرار دادند. وقتی کودکان محل از امام جمعه تبریز خواستند هنگام سخنرانی در مسجد با تفنگ های اسباب بازی خود مانند محافظها کنار او بایستند، وی قبول کرد و در کنار آن ها سخنرانی خود را انجام داد. کاربری نوشت: «این کار امام جمعه باعث میشه اونا با نماز جمعه و مسجد رفیق بشن و تا آخر عمر خاطره این روز خوب رو فراموش نخواهند کرد.» کاربر دیگری نوشت: «این که به نوجوون ها و جوون ها میدون داده بشه باعث میشه آینده بهتری در انتظار مون باشه.»

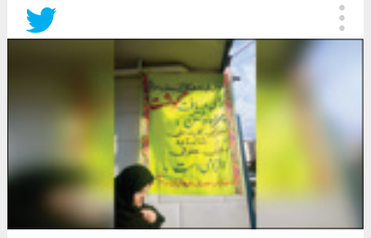
5.9 M views

مدارک لازم برای دریافت گوشت!

تصویری از یک بنر که مدارک مورد نیاز برای دریافت گوشت روی آن نوشته شده بود در فضای مجازی پخش شد که با واکنش زیادی از سوی کاربران مواجه شد. کاربری نوشت: «یه زمانی برای وام دادن این همه مدرک می خواستن، دیگه چیزی نمونده برای گرفتن گوشت سند خونه هم بخوان.» کاربر دیگری نوشت: «برای یک کیلو گوشت این همه مدرک میگیرن بعد خبر میاد که بدون هیچ مدرکی میلیاردها وام دادن به یکی.» کاربری هم نوشت: «کاش با همه این بگیر و ببندها این گوشت یارانه ای به دست نیازمنداش برسه.»

6.4 M views

برداشتن دیسک کمر به صورت سنتی!

مردم به دلایل مختلفی به طب سنتی روی می آورند اما این موضوع گاهی باعث سوءاستفاده هایی می شود. نمونه ای از این سوء استفاده که در شبکه های اجتماعی هم بسیار بازنشر شد اعلامیه برداشتن دیسک کمر و گردن به صورت سنتی و بدون نیاز به دارو بود. کاربری نوشت: «چند وقت دیگه اطلاعیه های پیوند اعضا بدون عمل جراحی هم منتشر میشه.» کاربر دیگری نوشت: «از وقتی مردم به طب سنتی رو آوردن عده ای این جور سوء استفاده ها رو می کنن.» کاربری هم نوشت: «در طب سنتی هم باید به متخصصش مراجعه کنید تا نتیجه درستی بگیرید.»

3.1 M views

وزیر پوپولیست آلمانی!

تصاویری از وزیر امور خانواده آلمان که در حال جمع آوری زباله است بازتاب زیادی در فضای مجازی داشت. فرانسیسکا گیفی، وزیر امور خانواده، سالمندان، زنان و جوانان در آلمان به جمع کارگران شرکت نظافت رفت و به مناسبت روز جهانی زن به آن ها برای جمع آوری زباله ها از جلوی منازل کمک کرد. کاربری نوشت: «مسئولان و سلبریتی های غربگرا لااقل این جور رفتارها رو هم یاد بگیرن.» کاربر دیگری نوشت: «توی خارج روز زن، زن ها میرن بیرون کمک دیگران حالا ما روز زن باید پول چند ماه حقوق مون رو کادو بگیریم.» کاربری هم نوشت: «اگه این حرکت رو یکی از مسئولان خودمون انجام بده متهم میشه به انجام کار پوپولیستی!»

4.9 M views

کتاب هم کیلویی شد!

خبری در فضای مجازی از وضعیت بد نشر به دلیل گرانی کاغذ و فروش کتاب به صورت کیلویی پخش شد که دل هر اهل مطالعه ای را به درد می آورد. کاربری نوشت: «توی کشوری زندگی می کنیم که واحد شمارش کتاب «کیلو» است.» کاربر دیگری نوشت: «ای کاش اگه کتاب رو کیلویی میخرن، بخونن نه این که فقط برای پز روشنفکری دادن توی قفسه ها انبارشون کنن.» کاربری هم نوشت: «این کتاب هایی که کیلویی فروخته میشن کتاب هاییه که خریدار نداره و یه عده برای بازیافت اونا رو می خرن چون قیمت کاغذ هم چندین برابر شده.»

2.8 M views

تحقیر به جای تنبیه؟!

تصویری از موی نیمه تراشیده سر کودکان دبستانی در روستای سخی از توابع شوش خوزستان در فضای مجازی پخش شد. این اتفاق که به نظر می رسد به عنوان تنبیه برای دانش آموزان در نظر گرفته شده توسط مدیر مدرسه اتفاق افتاده و ناراحتی و نارضایتی دانش آموزان و والدین آن ها را به همراه داشته است. کاربری نوشت: «حداقل میذاشتی این دم عیدی خوش تیپ باشن بعد این بلا رو سرشون می آوردی.» کاربر دیگری نوشت: «چرا به جای این که به بچه ها اعتماد به نفس بدن تحقیرشون میکنن؟!»

در امتداد روشنایی

گوشه تابوت!

اگرچه به عنوان پاکبان این شهر از سپیده دم لباس نارنجی رنگ خدمت را به تن می کنم و با صدای خش خش جارو ناپاکی ها را از کوچه و خیابان می زدایم اما وقتی به یاد روزهای سیاهم می افتم که چگونه به دره وحشتناک مواد افیونی سقوط کردم و دختر کوچکم در حالی جان سپرد که من به دنبال تهیه مواد بودم، این خش خش جارو قلبم را می خراشد و ...

مرد جوانی که توانسته بود پس از وقوع تلخ ترین ماجرای زندگی اش بر همه زشتی ها و پلیدی های درونی غلبه کند در حالی که بیان می کرد همین جاروی بلند تنها شاهد شرمساری ها و اشک های شبانگاهی من است، درباره سرگذشت سیاه خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری پنجتن مشهد گفت: ۱۳ ساله بودم که برای اولین بار مصرف مواد مخدر را تجربه کردم.

پدرم معتاد بود و مرا برای تهیه مواد مخدر نزد خرده فروش محله می فرستاد من هم به خاطر حس کنجکاوی مقدار کمی از مواد را می دزدیدم و پنهانی مصرف می کردم به خاطر غرور و لجبازی در ۲۰ سالگی راهی زندان شدم. آن روز مامور انتظامی خودرویم را به خاطر تخلف رانندگی متوقف کرد من هم او را کتک زدم و حتی در جلسه دادگاه نیز به خاطر همین حس غرور حاضر به عذرخواهی نشدم. همواره دوست داشتم به دیگران زور بگویم چرا که «احساس قدرت» را از پدرم آموخته بودم و او را قهرمان زندگی ام می دانستم خوب به خاطر دارم که چگونه مادرم با چشمانی اشکبار در راهروهای دادگاه، کلانتری و زندان به همه التماس می کرد تا از پدرم بگذرند. آن روزها من با دستان کوچکم گوشه چادر مادرم را می گرفتم و این صحنه های تلخ را می دیدم. حالا هم از این که خودم زندانی شده ام انگار تاجی از غرور بر سرم گذاشته اند. وقتی از زندان آزاد شدم به دنبال مصرف مواد مخدر رفتم و درست پایم را جای پای پدرم گذاشتم.

خلاصه در حالی که دیگر به معتادی حرفه ای تبدیل شده بودم در ۲۲ سالگی عاشق چشمان سیاه رنگ «ثریا» شدم. پدر او هم مانند پدر من معتاد و مواد فروش بود بنابراین کسی مخالف این ازدواج نبود. یک سال بعد در حالی دخترم «نگین» به دنیا آمد که من در دره وحشتناک مواد مخدر صنعتی سقوط کرده بودم. روزها را می خوابیدم و شب ها به خودروهای پارک شده مردم دستبرد می زدم تا هزینه های اعتیادم را تامین کنم در این میان بارها توسط ماموران دستگیر و روانه زندان شدم آن روزها همسرم نیز مانند گذشته مادرم در حالی که دخترم گوشه چادرش را گرفته بود برای آزادی من به این و آن التماس می کرد اما چشمان معصومانه نگین و زجرهای همسرم نیز نتوانست مرا از مواد مخدر جدا کند مدتی بعد به معتادی کارتن خواب تبدیل شدم و در کوچه و خیابان، پارک ها یا در پاتوق های معتادان می خوابیدم تا این که در طرح جمع آوری معتادان متجاهر دستگیر و راهی مرکز ترک اعتیاد شدم ولی بعد از آزادی از مرکز ترک اعتیاد دوباره به دنبال مواد مخدر رفتم اما پولی نداشتم و خرده فروشان مواد نیز مرا از خود می راندند این بود که تصمیم گرفتم به منزلمان بروم و به زور از همسرم پولی بگیرم اما وقتی به آن جا رسیدم ناگهان دنیا روی سرم خراب شد.

ثریا با چشمانی گریان و سیاه پوش فقط ناله می کرد بی اختیار نگین را صدا زدم اما پاسخی نشنیدم آن جا بود که فهمیدم روزهایی که من در پاتوق های معتادان به دنبال تهیه مواد بودم دخترم بیمار شده و در نهایت بر اثر خون ریزی معده جانش را از دست داده بود. آن روز برای همیشه از مواد مخدر متنفر شدم چرا که نتوانستم برای آخرین بار جگر گوشه ام را ببینم یا حداقل گوشه تابوتش را بگیرم این بود که مواد مخدر را زیر پایم لگدمال کردم و امروز چند سال است که به شغل پاکبانی مشغولم اما هنوز خش خش جارو قلبم را می خراشد و ...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی